



به مناسبت روز معلم، عکس: عباس کوثری، شرق



### پیشخوان

### برای امروز، برای فردا

● **ویرایش دوم کتاب «برای امروز، برای فردا»**، نوشته مرحوم «داریوش اسماعیلی» در ۱۸۵ صفحه منتشر شده است. این کتاب شرحی بر دعاهای روزهای ماه

مبارک رمضان است که مطالب آن پیش‌تر در خبرگزاری ایکنای اصفهان به تدریج منتشر شده و نشر جهاد دانشگاهی واحد اصفهان آن را در سال ۹۶ تهیه و منتشر کرد و اکنون چاپ دوم آن را به صورت رایگان و الکترونیک در اختیار عموم قرار داده است.

نویسنده اثر، مرحوم داریوش (مصطفی) اسماعیلی، در سال ۱۳۴۰ در آبادان متولد شد. در سال‌های پایانی دبیرستان که هم‌زمان با روزهای آغازین انقلاب شد، مطالعات و مبارزات خود را آغاز کرد و با آغاز جنگ تحمیلی، مدتی با عنوان نیروی داوطلب و سپس به‌عنوان سرباز در جبهه‌ها حضور داشت. در سال ۱۳۶۲ در رشته فیزیک دانشگاه اصفهان پذیرفته شد و ضمن تحصیل، بارها به جبهه‌ها اعزام و یک‌بار نیز مجروح شد.

او مدتی در دفتر مدیرکل سیاسی وزارت کشور و مدتی نیز در مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی تهران مشغول به کار بود. ولی عمده دوران اشتغال وی در مجموعه معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی اصفهان طی شد و در زمان وفات، در ۲۳ بهمن ۱۳۹۸، معاون فرهنگی این نهاد بود.

او دو کتاب منتشر کرده است؛ یکی کتاب «برای امروز، برای فردا» و دیگری کتاب «تأمین خرد» که شامل شرح ۱۱۴ حکمت از حکمت‌های نهج‌البلاغه است. او در مقدمه کتاب «برای امروز، برای فردا» نوشته است: «مدت‌ها بود در فکر نوشتن شرح و برداشتی از دعاهای روزانه ماه مبارک رمضان بودم؛ دعاهایی موجز و کوتاه و درعین‌حال بسیار عمیق و سازنده؛ دعاهایی که کوتاهی آنها، هیچ از درازدانی مفاهیم بلندشان نکاسته و همین ویژگی، زیبایی‌شان را دوجندان ساخته است؛ زیبایی و غنایی که عقل و احساس را توانمان به چالش می‌کشد و نگاه را در شکوه این کوتاه بلندکنند. این قصر مرتفع!! حیران‌نموده، در خویش شناور می‌سازد.

از آن مهم‌تر، انتساب این فقرات عزیز است به پیامبر اکرم (ص). آن‌چنان‌که از ابن عباس نقل شده است، حضرتش برای هر روز، دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار ذکر نموده‌اند. آری! این ضرورت برای روز بعد نیز شرحی نوشته می‌شد، گاهی عنوان «برای امروز» و گاهی عنوان «برای فردا» در بالای هر شرح می‌آمد. عنوان «برای امروز، برای فردا» تعبیری است که از دل این ماجرا بیرون آمده، اما در خود واجد تفسیر بلندتری نیز هست که فلسفه دعا را نیز دربر می‌گیرد!

در چاپ دوم این کتاب، برداشت‌هایی از مناجات شعبانیه و برخی دعاهای دیگر ماه مبارک رمضان نیز به این مجموعه افزوده شد که امید است مجموعه حاضر مورد قبول درگاه احدیت و پسند طبع بلند شما صاحب‌دان و صاحب‌نظران قرار گیرد.»

### www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۹ رمضان ۱۴۴۱ • ۳ می ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۱۰ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۲
اذان صبح فردا ۴:۳۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

fardashargh@gmail.com

## روزنامه‌فردا

### نور نوشت



### اتفاق

## سال غم‌بار کارگران

### حسین اکبری . فعال کارگری

منابع آن و توقف عرضه شستا و برگرداندن سهام عرضه‌شده به سازمان تأمین اجتماعی و اصلاح قانون کار و همه زیرمجموعه‌های این قانون که موانع جدی بر سر راه تحقق خواسته‌های کارگران ایجاد کرده است. بی‌تردید روز جهانی کارگر معیادگاهی است تا کارگران با برپاداشتن نمایش قدرت خود در جهان و کشورهای مختلف سطح انتظارات بحق خود را به شیوه‌های اعتراضی بیان کنند و حق زندگی صلح‌آمیز و عادلانه در این جهان پرآشوب را که همواره از منظر نژادی سرمایه‌داری و به خواست آنها محل منازعه بی‌دلیل خلق‌های جهان در برابر یکدیگر، شده است، طلب کنند و آنان توجه شود و حفاظت‌های ایمنی و بهداشتی و امنیت و حمایت‌های رفاهی افزایش یابد، چگونه حمایت‌های اولیه نیز در شرایط آیدمی کروناویروس از آنان سلب شده است.

اولیه حفاظت‌های ایمنی و بهداشتی، در حد صرف اندازه‌گیری حرارت و دمای بدن خلاصه شده است، جلوه‌ای فریب‌کارانه برای رضایت‌مندی وجدان دولت‌های سرمایه‌داری که بی‌تردید در این حد هم جز به کاهش هزینه‌ها نمی‌انگیند. سالی که آمار نرخ بی‌کاری کارگران

به معنی آوار فقر و تنگدستی و آسیب به شمار وحشتناکی خواهد رسید. سالی که شیوع کروناویروس نقاب از چهره نولیبرالیسم برکشیده و نشان داده این نظام سرمایه‌داری جهانی شده تا چه میزان رفاه عمومی را فدای منافع سیری‌ناپذیر خود کرده است که در یک روز در ثروتمندترین کشور دنیا، ایالات متحده آمریکا، چگونه به خاطر نبود تأمین اجتماعی، هزاران انسان آلوده به کرونا، مانند برگ خزان بر زمین می‌افتند. و سالی که در ایران نیز افزایش بیش از شش میلیون بی‌کاری بر اثر تأثیرات آیدمی کرونا ویروس از



اتحادیه‌های کارگری دیگر کشورهای جهان این امکان را دارند تا با تکیه بر قدرت همبسته خود از دولت‌ها بخواهند در برابر بازماندگان آنان از این جنگ نابرابر، وظایف خود را انجام دهند. بر کارگران و زحمتکشان ایران است که این خواست را به‌عنوان یک مطالبه جدی از دولت ایرانی مطالبه کنند.

شرط لازم برای ایجاد زمینه همبستگی بین کارگران جهان، ازجمله در کشور ما ایران، ایجاد و گسترش سازمان‌های کارگری و متحدشدن آنان در اتحادیه‌های بزرگ منطقه‌ای، استانی و کشوری است تا به اعتبار این همبستگی ملی بتوان در همبستگی‌های بین‌المللی نیز حضور یافته و از کمک‌های متقابل با دیگر اتحادیه‌های کارگری جهان بهره‌مند شد و شالوده اتحاد جهانی کارگران را تجدید و در مقابل خوی وحشی و حیوانی سرمایه‌داری افسارگسیخته نولیبرال، از انسایت در جهان پاسداری و دفاع کرد.



● **بهرام دبیری**  
نقاش

سؤال شما مرا به سفر دوری برد. به یادآوری ده‌ها آموزگاری که در زندگی داشتم و سیاستگرز آن‌تم. به یاد آوردم روزگاری سعیدی معلم ما بود. معلم اخلاق، جهان‌بینی و آداب ارتباط با دیگران و با جهان و طبیعت. درس‌های سعیدی را در کتاب‌های مدرسه می‌آموختم و از راه حرف‌های پدر و مادر و خانواده، کلاس اول مدرسه، مدرسه ابن‌سینا در شیراز که روی دیوار حیاط مدرسه نقاشی‌های بزرگی کشیده شده بود با عنوان‌های «شفقت‌به حیوانات»، «مهربانی» و «درست‌کاری». و معلم کلاس اول آقای شبانی.



● **عبدالرحمن نجل‌رحیم**  
مغزپژوه

قرن‌ها از تمدن انسانی گذشته است ولی هنوز ما از اهمیت و گستردگی کار مغز خود غافل مانده‌ایم. تنها از چند قرن گذشته به بعد است که کمی به اهمیت و ارزش مغز خود از طریق صدماتی که بر آن وارد می‌شود، پی برده‌ایم. تازه بسیار دیر باور کردیم که اختلال خلق، رفتار، هیجان و عاطفه ما نیز به کار مغز ما ربط پیدا می‌کند. چون اغلب آنها را به عوامل فوق‌طبیعی و غیرجسمانی نسبت می‌دادیم. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد جوامع انسانی، در هر قرن، برای یک بار هم شده، با همه‌گیری بیماری عفونی روبه‌رو بوده است. اما در جریان این همه‌گیری‌ها، کمتر به احتمال درگیری مغز، به صورت تغییر خلق، منش، کردار و رفتار در بیماران تسب‌دار و بدحال، حتی در مجامع علمی و پزشکی، توجه شده است. شاید مصادف‌شدن همه‌گیری مرگ‌بار و وسیع آنفلوآنزا در سال‌های آخر و پس از پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) با شیوع بیماری ورم مغزی بی‌حال‌کننده (آنسفالیت لتارژیک)، معروف به بیماری خواب، خود هشداری به نقش مغفول‌مانده مغز در همه ابعاد رفتاری و هوشیاری باشد. البته می‌دانیم که این بیماری تس‌دار همراه با ورم مغزی، بیش از ۵۰ میلیون نفر را در کشورهای اروپایی اتریش، آلمان، ایتالیا و انگلیس و سپس آمریکا مبتلا کرده که یک‌سوم آنها مرده‌اند و بسیاری که نجات پیدا کردند در دنیای بزرخی بین خواب و بیداری، در تعلیق میان مرگ و زندگی، به صورت مومیایی شده و زامبی مانده‌اند. «کنستانتین فون اکونومو»، پزشک اتریشی که اولین بار با شیوع این تورم مغزی را شرح داد، افراد مبتلا را به آشفتنش‌های خاموش، به خواب فرورفتگان منظر بیندازی یا موجودات در حالت تعلیق از نظر هستی‌شناختی تشبیه کرده است. «اکونومو»، بیش از ۵۰۰ نوع علامت بیماری را در رفتار و کردار آدمیان مبتلا به این بیماری شرح می‌دهد که با

### بهترین معلم

## بوی چوب

و البته کلاس سیمین دانشور در دانشکده ادبیات که تاریخ هنر شرق را به ما می‌آموخت. و دیرتر آشنایی و شناسش معاشرت با موسیقی‌دانان، خواننده‌ها، نویسنده‌ها و فیلم‌سازان، مترجمین طراز اول ایران، همه بی‌پایان حرف‌ها و دانش‌هایی داشتند که ما را می‌ساخت. نمی‌دانم الان در مدرسه‌ها و دانشکده‌ها برای ساختن ایران چه آموزه‌هایی را می‌آموزند، هیچ نمی‌دانم. و دیرتر دکتر خسرو خسرویی که سال شصت‌وچهار که از زندان آمده بود او را شناختم و دکتر بهار را که آیین‌ها و اسطوره‌های کهن ایران را به من یادآوری کردند. و گمان می‌کنم این آموختن‌ها در هر که باشد و هرجا که باشد پایانی نیست. من هم به همه مردمان شریفی که حقیقت‌دانش، درست‌کاری و خرد را به فرزندان این سرزمین یاد می‌دهند روزشان را مبارک‌باد می‌گویم.



### مغز اجتماعی - ۱۱۲

## چرا حالا باید بیشتر از همیشه مواظب سلامت مغزمان باشیم!

گزارش شده که در صورت زنده‌ماندن بیمار می‌تواند موجب اختلال در رفتار عاطفی اجتماعی، عاملیت و فاعلیت ذهنی او شود.

موضوع مهم دیگری که مغفول مانده و باید در مغزپژوهی امروز با انتقاد از علم دیروز، مورد بررسی قرار گیرد، تأثیر عوامل مهم اپیزنتیکی در شکل‌گیری مغز در پیوند با بدن در تجربه زیستی فعال و پویا برای رسیدن به انسانی آگاه است. ما به آگاهی‌رسیدن خود را مدیون محیط عاطفی، اجتماعی و زیستن در جوار دیگری هستیم. این توجه از این نظر دارای اهمیت است که بدانیم مغز عاطفی اجتماعی ما تنها از نسوی عوامل بیولوژیکی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌تواند از نسوی محیط اجتماعی فرهنگی نیز در خطر آسیب باشد. باید آگاه باشیم در شرایطی که در حبس و محدودیت‌های بهداشتی دوران همه‌گیری کرونایی تحت بمباران‌های تلقینی نگاه‌های خرسازی دنیای مجازی هستیم، عاملیت و فاعلیت مغز عاطفی و اجتماعی ما بازپچه منویات نهادهای قدرت سرمایه‌ جهانی قرار نگیرد. با نکاهی گذرا به ساختار قدرت در دنیای امروز متوجه می‌شویم افرادی برای پست‌های مهم تصمیم‌گیری در مؤسسات بزرگ مالی و اقتصادی سیاسی به کار گمارده می‌شوند که در بسیاری موارد، بخش عاطفی اجتماعی مغزشان برای شرارت عاطفی به جای خیرخواهی عاطفی تربیت شده است. این عوامل قدرت می‌توانند بخش آسیب‌پذیر عاطفی -اجتماعی مغزمان را که برای عاملیت و فاعلیت اجتماعی خود نیاز داریم به بازی بگیرند و آن را به اطاعت بی‌چون‌وچرا از منویات مهندسی شده قدرت دربیاورند.

دست‌کاری عامدانه در همان مغز عاطفی-اجتماعی ما که آسیب‌پذیری بیشتری در آنسفالیت لتارژیک از خود نشان می‌دهد، اگر می‌خواهید بیشتر راجع به این افراد بدانید، کتاب «بدون وجدان: جهان آشفته‌ساز وجدان پریشان (سایکوپات‌ها) در میان ما» از «اگرت هر» را بخوانید که در سال ۱۹۹۳ نوشته است. اگر می‌خواهید این جهان بی‌رحم را با تمام وجدانات تجربه کنید، تمامی آثار سینمایی «استالنی کوپریک» را دنبال کنید.

### روزها

## جای خالی سپاس از معلمان

حاضر شد یا آن دیگری که بر تخت بیمارستان به درس‌دادن پرداخت یا آن یکی که تلفن همراه خود را در اختیار شاگردش قرار داد یا آن یکی که در روستا خانه‌به‌خانه شگشت تا اشکالات دانش‌آموزانش را برطرف کند.

جای خالی این‌ خبرها در رسانه‌های مکتوب، مشهود بود. هرچند شبکه‌های اجتماعی بستری شد برای انتشار این خبرهای انسانی؛ خبرهایی که منابه آن در سراسر جهان منتشر می‌شد. رسانه‌های جهان که از مرگ معلم موردعلاقه دانش‌آموزان بنویسند یا از معلمی خیر دهنند که پرستاری نوزاد تازه به‌دنیאآمده مادر بستری‌شده بر اثر کرونا را برعهده گرفته بود یا سی‌ان‌ان گزارشی تهیه کرده بود از عملی که دو هزار دریاقتی‌اش را به مراکز کودکان تازه به‌دنیاآمده پرداخته، چراکه دیگر نیازی نبوده است مبلغ زیادی از حقوقش را صرف بنزین کند و به محل کار برود.

اما نکته‌ای که تفاوت اطلاع‌رسانی ایران و جهان را در زمینه فعالیت‌های معلمان مشخص می‌کرد، تعداد کم انتشار اخبار انسانی معلمان بود. این خبرها هرچند کم‌رنگ‌تر از تمام خبرهای معطوف به سیاست‌گذاری بیان و منتشر شد، اما نشان داد که معلمان و استادان چه کار سختی را برعهده دارند و چقدر عاشقانه در این حرفه حضور دارند؛ فراتر از تمام کمبودهای فنی و افزایش کار در کنار کج‌خلقی‌ها و کم‌کاری‌های دانش‌آموزان و البته بی‌مهری‌های سیاست‌گذاران و برخی مدیران مدارس غیرانتفاعی.

● امکان استفاده از مراکز مختلف و کتابخانه‌ها به صورت آنلاین که از سوی دیگر نشان داد دانش‌آموزان کمتر با این امکانات؛ چه جست‌وجوکردن و چه استفاده‌کردن آشنا هستند.

● بیان کمبودهای سیستم وطنی شاد (شبکه آموزش دانش‌آموزان) که هنوز بسیاری از معلمان هم نمی‌دانند قرار است چه کاری با آن انجام شود

● پیش‌رو داشته باشیم؛ راهی که البته در سال‌های گذشته رفته و اکنون بیش از هر چیز دریاخته‌ایم که چه کمبودهایی دارد و تفکری که باید برگزینیم که در سال‌های آتی بتوانیم کودکان و دانش‌آموزان را برای دنیای جدیدتر آماده کنیم.

در این‌ میان نکته‌ای که بیش از همه مطرح می‌شود و جای خالی آن مشهود بود، روایت‌های انسانی از معلمان و نقش و جایگاه آنها در دنیای پس از کرونا بود؛ مهمانی‌که نگارگر برای ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان از هر امکان و شیوه‌ای استفاده کردند و حتی با توجه به امکانات محدود در ماشین یا در آشپزخانه و ... به ارتباط تصویری با دانش‌آموزان پرداختند. معلمی که از او یاد شد که با وجود داشتن کرونا، کلاس درس را تعطیل نکرد یا دیگری که پس از خاک‌سپاری فرزندش در کلاس

سایه کرونا بر تمام اتفاقات و رویدادها در جهان ایران سایه افکنده است. بزرگداشت روز معلم در روزهایی که مدارس به دلیل فاصله‌گذاری و قطع زنجیره ابتلای کودکان و معلمان تعطیل هستند، نیز از عجایب و تفاوت‌های این روزگار با گذشته است.

اینکه هر اتفاقی در مسیر زمان با تفاوت‌هایی روبه‌رو می‌شود و به تدریج شکل انجام آن تغییر می‌کند، لازمه زندگی است و این‌بار شرط اول یادگیری دوری است و پشت شیشه وسایل الکترونیکی هوشمند بودن.

اما در این مطلب کوتاه به یک نکته اشاره می‌شود: تفاوت پرداختن به بازتاب نقش و عملکرد معلمان در این روزگار کرونایی در ایران.

اگر مروری بر اخبار منتشرشده در این مدت داشته باشیم، در چند میحث دست‌بنده می‌شوند:

● برگزاری کلاس‌های آنلاین و نواقص و کمبودهایی؛ شامل عدم تسلط آموزگاران و معلمان به این فضا، عدم دسترسی دانش‌آموزان در مناطق محروم به وسایل الکترونیکی هوشمند (که منجر به تشکیل کمپین‌هایی زیر نظر وزیر مخابرات و افراد و گروه‌های خیر مردمی شد)، رفتارهای دانش‌آموزان (از جمله حضور در کلاس و استفاده از این فرصت برای بازی‌های آنلاین و ...)

● سرعت پایین اینترنت، قیمت بالا در سطح شهرها و عدم دسترسی به آن مناطق محروم

● تأکید دوباره بر ضعف‌های متعدد سیستم آموزشی ایران از جمله کهنه و قدیمی‌بودن روش‌ها و شیوه‌های آموزش